

المقصد الثالث: في الرجعة

مبحث سوم: رجوع^۱

تصح المراجعة نطقاً، كقوله: راجعتك، وفعلاً كالوطء. ولو قبل أو لامس بشهوة كان ذلك رجعة، ولم يفتقر استباحته إلى تقدم الرجعة؛ لأنها زوجته. ولو أنكر الطلاق كان ذلك رجعة؛ لأنه يتضمن التمسك بالزوجية. ولا يجب الإشهاد في الرجعة بل يستحب.

رجوع با گفتن (مانند اینکه بگوید: رجوع کردم) و یا انجام کاری که به معنای رجوع باشد (مانند نزدیکی کردن) محقق می‌شود. اگر او را ببوسد یا با شهوت لمس کند رجوع محسوب می‌شود. پیش از رجوع لازم نیست زن را بر خودش حلال کند،^(۲) زیرا آن زن همسر او محسوب می‌شود. اگر مرد طلاق را انکار کند، رجوع محسوب می‌شود؛ زیرا به معنای ادامه داشتن عقد ازدواج است. لازم نیست برای رجوع شاهد بگیرد، بلکه مستحب است.

ولو طلقها رجعية، فارتدت فراجع لم يصح، ولو أسلمت بعد ذلك استأنف الرجعة إن شاء. ولو كان عنده كتابية فطلقها رجعياً ثم راجعها في العدة يجوز. ورجعة الأخرس بالإشارة الدالة على المراجعة. وإذا ادعت انقضاء العدة بالحیض في زمان محتمل فأنكر، فالقول قولها مع يمينها، ولو كانت حاملاً فادعت الوضع قبل قولها مع البيينة. ولو ادعت الحمل فأنكر الزوج، وأحضرت ولداً، فأنكر ولادتها له، فالقول قوله؛ لإمكان إقامة البيينة بالولادة.

اگر زن را طلاق رجعی دهد، سپس مرتد شود و بعد از آن رجوع کند، صحیح نیست و اگر بعد از آن مسلمان شود^(۳) و بخواهد (با آن زن زندگی کند) باید دوباره رجوع کند. و اگر زن غیرمسلمان را طلاق دهد جایز است در مدت عدّه به او رجوع کند. رجوع لال با اشاره‌ای است که بر آن دلالت کند.

اگر زن ادعا کند که عدّه با سپری شدن سه دوره پاک‌ی به پایان رسیده است (و به اندازه حداقل مدت عدّه گذشته باشد) اما مرد آن را انکار کند، گفته زن همراه با قسم پذیرفته می‌شود، و اگر حامله باشد و ادعای وضع حمل کند، گفته او همراه با وجود گواه و دلیل شرعی پذیرفته می‌شود، و اگر زن ادعا کند حامله است و شوهرش انکار کند و زن

1- بازگشت و منصرف شدن از طلاق. (مترجم)

2- یعنی لازم نیست قبل از نزدیکی و... لفظ رجوع را به کار ببرد، بلکه خود آن عمل رجوع محسوب می‌شود. (مترجم)

3- آن رجوعی که در زمان ارتدادش قرار داشته، باطل است. (مترجم)

فرزندى را بياورد و مرد تولد آن فرزند از زن را انكار نمايد، گفتهٔ مرد پذيرفته مى‌شود، زيرا زن مى‌تواند براى اثبات ادعايش دليل شرعى بياورد.

وإذا ادعت انقضاء العدة، فادعى الرجعة قبل ذلك، فالقول قول المرأة. ولو راجعها فادعت بعد الرجعة انقضاء العدة قبل الرجعة، فالقول قول الزوج.

اگر زن ادعا کند عدّه به پایان رسیده و مرد ادعا کند پیش به از پایان رسیدن آن رجوع کرده است، گفتهٔ زن پذیرفته مى‌شود، و اگر مرد رجوع کند و زن بعد از رجوع ادعا کند که عدّه قبل از آن تمام شده است، گفتهٔ مرد پذیرفته مى‌شود.